



خوب دیگران را برای کلاس درس خود متناسب‌سازی کنند و بدون فکر و چشم بسته آن‌ها را به کار نبرند.

۲. گروه‌های همیار: یک راه مدیریت کلاس‌هایی که دانش‌آموزانی با نیازهای یادگیری متفاوت دارند، تدریس همیارانه است. تدریس همیارانه شکل‌های متفاوتی دارد. برای مثال، معلمان می‌توانند با مدیریت متناسب کلاس را اداره کنند. در این حالت، معلم فرایند تدریس و یادگیری را به حرکت می‌اندازد و همیاران نظارت و کمک می‌کنند. اگر دانش‌آموزان در گروه‌های همیار و در انجام فعالیت‌های مشارکتی احساس راحتی کنند، کار را با کیفیت بهتری ارائه می‌دهند و به دلیل داشتن اهداف مشترک با گروه خود، فعالیت‌ها به نتایج بهتری منجر خواهد شد. همچنین، معلم امکان می‌یابد موقعیت‌هایی مؤثر و قابل فهم طراحی کند. یکی از نمونه‌های بارز توسعه‌ی فعالیت‌های مشارکتی دانش‌آموزان، پروژه‌های تحقیقاتی همیارانه است. در یک مدل از آن، هر یک از اعضای گروه مسئولیت فراهم آوردن بخشی از یک فعالیت یادگیری را بر عهده دارند و در پایان، با کنارهم گذاشتن اطلاعات به دست آمده، تصویر معناداری از موضوع پیدا می‌کنند (روش پازل یا جیگسا). یک امتیاز آشکار روش‌های مشارکتی، برطرف کردن اضطراب یادگیری در کلاس‌های چندپایه است.

۳. گفت‌وگوی کلاسی: بیشتر معلمان به‌خوبی می‌توانند با طرح یک پرسش، گفت‌وگوی کلاسی را به جریان بیاورند، در حالی که

عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی در کلاس‌های چند پایه

در سال‌های اخیر، همگام با توسعه‌ی کمی نظام آموزشی، مفهوم کیفیت آموزشی نیز مورد اقبال قرار گرفته است. کیفیت آموزشی امری اتفاقی نیست و برای رسیدن به آن کوششی دورنگر، مداوم و پویا، با یک حرکت مستمر به سمت هدف، لازم است.

کیفیت آموزشی در کلاس‌های چندپایه از طریق پیش‌بینی نیازهای آینده‌ی دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه، برنامه‌ریزی دقیق و منعطف، تدارک موقعیت‌های یادگیری متنوع و متناسب با شرایط بومی و محلی، تا حد زیادی تضمین می‌شود. وقتی از توسعه‌ی کیفیت در کلاس‌های چندپایه حرف می‌زنیم، دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌های علمی، عملی و ارزشی پیش‌بینی شده در برنامه‌ی درسی ملی منظور است. عوامل متعددی مانند فرهنگ، نگرش، برنامه‌ی درسی، جنسیت، سن، جامعه‌ی محلی، مقوله‌ی چندفرهنگی، و معلم و انعطاف‌های او، در ایجاد این شایستگی‌ها تأثیر گذارند. در این مقاله، به برخی از این عوامل می‌پردازیم.

۱. معلم: بسیاری از معلمان تازه‌کار مسیر کاری خود را با باورهایی شروع می‌کنند که در برخورد گذشته‌ی آن‌ها با معلمانشان ریشه دارد و آنچه را از کودکی درباره‌ی معلمی در ذهن و جانیشان نقش بسته است، به‌عنوان شیوه‌ی معلمی‌کردنشان به کار می‌گیرند.

معلمان کلاس‌های چندپایه باید موقعیت‌هایی یادگیری طراحی کنند که دانش‌آموزان را درگیر و به سمت خودیادگیری هدایت کنند. آن‌ها باید تلاش و پشتکار دانش‌آموزان خود را پاداش دهند، نه نتایج دلخواه را. در عین حال خطاها را بپذیرند و از این طریق به اهداف آموزشی دست یابند و خودکارآمدی دانش‌آموزان را بهبود بخشند. معلمان با آگاه کردن دانش‌آموزان از انتظارات خود، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند به سطوح مدنظر معلم خود دست پیدا کنند.

معلمان کلاس‌های چندپایه، به منظور ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای خود، لازم است با یکدیگر ارتباط مؤثری داشته باشند، تجربه‌ها و ایده‌های خود را درباره‌ی برنامه‌ریزی در کلاس درس، از طریق گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی، با یکدیگر به اشتراک بگذارند و در عین حال این مهارت را داشته باشند که ایده‌های

معلم داربست‌هایی را در ذهن دانش‌آموزان ایجاد کرده است تا برای یادگیری از آن بالا بروند. ترغیب و راهنمایی معلم برای هدایت هر فرد در مسیر شخصی کمک می‌کند هر دانش‌آموزی متناسب با شرایط خود پیشرفت کند.

۴. فضای کلاسی، فضای عاطفی: مراقبت معلم از فضا یا جو کلاس چندپایه به معنی درک و پذیرفتن دانش‌آموزانی با جنسیت، سن و تحصیلات گوناگون در یک کلاس است. معلم می‌تواند از طریق تماس چشمی و زبان بدن نشان دهد که به آن‌ها توجه دارد و در خلال تعاملات، این پیام را که به مراتب مهم‌تر از موضوع درسی است، به دانش‌آموزان انتقال دهد.

۵. فضای فیزیکی: بیشتر معلمان کلاس‌های چندپایه از راهبرد تقسیم کردن و ایجاد ساختار بندی گروه‌های کوچک‌تر در کلاس برای بهتر مدیریت کردن کلاس استفاده می‌کنند. این تقسیم‌بندی می‌تواند بر اساس پایه یا موضوع درسی باشد. معلمان می‌توانند با تقسیم‌بندی‌های موضوعی، بر اساس گوشه‌ها یا مرکز کلاس، به سازمان‌دهی فضای کلاسی اقدام کنند. ساختار دیگر، تشکیل گروه‌های سه یا شش نفره است و استفاده از چینش دایره یا نیم‌دایره شکل. وقتی دانش‌آموزان بتوانند چهره‌های یکدیگر را ببینند، تعامل و درگیری کلاسی بهتر اتفاق می‌افتد و احتمال پاسخ‌گویی یک دانش‌آموز به دانش‌آموز دیگر بسیار بیشتر می‌شود و این کمک می‌کند دانش‌آموزان در زمینه‌ی آنچه در حال یادگیری آن هستند، با هم مشارکت کنند.

۶. جامعه‌ی محلی: مدیر آموزگار یک مدرسه در روستایی دورافتاده می‌تواند از طریق ایجاد روابط هیجانی مثبت میان معلمان و دانش‌آموزان مدرسه با مردم محلی، حس تعلق و پیوند تنگاتنگی ایجاد کند. ملاقات چهره به چهره می‌تواند برای معلمان و والدین بسیار خوشنودکننده باشد. وقتی والدین در جریان اتفاقات و رویدادهای مدرسه قرار گیرند و برای مشاهده‌ی فعالیت‌هایی مثل ورزش، کارهای هنری، تولیدات علمی دانش‌آموزان و برگزاری نمایشگاه‌های کوچک فروش دستاوردهای محلی در مدرسه حضور یابند، فرصتی برای تعامل اجتماعی والدین و معلمان فراهم می‌شود و به ایجاد حس تفاهم و رابطه‌ی نزدیک آن‌ها کمک می‌کند.

مدیر-آموزگار، با تکیه بر تصمیم‌گیری مشارکتی دهیاری، همکاری مردم محلی و والدین داوطلب می‌تواند رویکردی اثربخش برای بهبود پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان در منطقه‌ی خاص ایجاد کند. مردم محلی می‌توانند برنامه‌ی درسی مدرسه‌ها و کلاس‌های چندپایه را تحت‌تأثیر قرار دهند. مدیر باید آماده باشد مشورت‌هایی را که در مدرسه انجام می‌شود، تغییرات جدید



آن‌ها باید بدانند چگونه تبادل نظر درباره‌ی یک موضوع را در کلاس به سطح گفت‌وگوی واقعی برسانند. انتخاب و طرح پرسش مناسب، یک مهارت معلمی است. پرسش‌هایی که پاسخ مشخص دارند، مانع ادامه‌ی بحث و گفت‌وگوی کلاسی می‌شوند، در حالی که پرسش‌های باز پاسخ به پاسخ‌های بیشتر می‌رسند. معلم باید پرسش‌ها را با دقت انتخاب کند و در عین حال برای زوایای جدید و مواضع مختلف مفهوم مورد بحث، آگاهی و آمادگی لازم را داشته باشد. در گفت‌وگوهای کلاسی، دانش‌آموزان باید بدانند، هر سؤال پاسخ‌های متعددی می‌تواند داشته باشد و قطعیتی در پاسخ به سؤال وجود ندارد. از دیگر عواملی که موجب تسهیل در گفت‌وگو می‌شود، اعتماد به نفس کافی برای گفتن «نمی‌دانم» است که موجب احساس امنیت دانش‌آموزان نسبت به شرایط نامشخص می‌شود. این عوامل نه تنها گفت‌وگوی بین دانش‌آموزان را شکل می‌دهد، بلکه آسان نیز می‌کند.

یکی از دشوارترین کارهای معلمان برای مدیریت گفت‌وگو این است که باید دانش‌آموزان را به خوبی بشناسند تا بتوانند آن‌ها را با پرسش‌های رشددهنده روبه‌رو کنند. فرایند پرسش و دادن فرصت و تأمل برای پاسخ، به پیشبرد تفکر در کلاس کمک می‌کند. اگر مفاهیم برای یادگیرندگان روشن نشوند، احتمال اشتباه و سردرگمی زیاد خواهد شد. درخواست از دانش‌آموزان برای بیان ایده‌های دیگران با عبارات خود، این فرصت را فراهم می‌آورد تا دریافت همه‌ی دانش‌آموزان از مفاهیم اساسی تأیید شود. انگار که

به شکل گنبد زندگی می‌کنند». در این داستان، معلم از بافت خانه‌ی دانش‌آموز آگاهی نداشت. در تدارک تجربه‌های یادگیری، آگاهی از شرایط خانه، محل زندگی و فرهنگ بومی دانش‌آموزان بسیار مهم است.

۸. راهبردهای یادگیری: راهبردها مجموعه عملیاتی هستند که برای رسیدن به هدف معینی طرح‌ریزی می‌شوند. راهبردهای یادگیری و استفاده از آن‌ها در کلاس درس، علاوه بر توانمند کردن دانش‌آموزان برای خودیادگیری و خودنظم‌دهی، به سامان‌دهی برنامه‌ی کلاسی کمک می‌کند تا معلم از زمان کلاس به نفع تدریس و هدایت دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر و موضوعاتی درسی که تدریس در آن‌ها ضروری‌تر به نظر می‌رسد، بهره‌بردار.

الف) برخی راهبردهای یادگیری را معلم طراحی و به همراه دانش‌آموزان اجرا می‌کند؛ مانند: روش‌های تدریس متنوع و مشارکتی که یکی از عوامل به وجود آورنده‌ی کلاس‌های چندپایه‌ی اثربخش و باکیفیت است.

پیوند برنامه‌ی درسی مدرسه با علاقه‌ها و نیازهای مشترک دانش‌آموزان، از طریق راهبردهایی مثل آغاز گفت‌وگوهای دوستانه، ارائه‌ی اطلاعات غیرمعمول و پیوند با زندگی و علاقه‌ی دانش‌آموزان، تأثیر زیادی بر یادگیری دارد. یکی از این راهبردها، تدریس مشترک یا موازی است که در این راهبرد برای همه‌ی کلاس به طور کلی برنامه‌ریزی می‌شود و سپس دانش‌آموزان در گروه‌های همگن و گاهی ناهمگن، براساس سطح مهارت گروه‌بندی می‌شوند و معلم تدریس را بر اساس یک مفهوم یا مهارت مشترک دوره، متناسب با پایه‌های مورد تدریس، طراحی می‌کند و پیش می‌برد.

طراحی آموزشی بر مبنای تلفیق موضوعات درسی، تدوین بسته‌هایی خودآموز در درس‌هایی که دانش‌آموز می‌تواند بدون حضور معلم آن‌ها را یاد بگیرد و مسئولیت یادگیری را از معلم به یادگیرنده منتقل می‌کند، از دیگر راهبردهایی هستند که معلم طراحی و به همراه دانش‌آموزان اجرا می‌کند.

ب) برخی دیگر از راهبردها، راهبردهای حمایتی مهم برای یادگیری دانش‌آموزان هستند که معلم به دانش‌آموز می‌آموزد؛ مانند: انتخاب ایده‌ی اصلی، کلاس معکوس و یادگیری معکوس، بسط‌دهی و سازمان‌دهی، مرور و خلاصه کردن، تهیه‌ی راهنمای مطالعه، یادداشت‌برداری، حاشیه‌نویسی، تبدیل متن درسی به نقشه یا الگوی مفهومی. می‌توان این راهبردها را در فرصتی دیگر توصیف و تبیین کرد.

تدوین و تولید برنامه‌ی درسی ویژه‌ی کلاس‌های چندپایه می‌تواند شکاف‌های ناشی از مسائل متنوع و غیرقابل پیش‌بینی در این کلاس‌ها را پر کند و کیفیت و سطح انتظار از یادگیری در کلاس‌های چندپایه را معنا بخشد.



برنامه‌ی درسی و تصمیمات مربوط به امور عمرانی و رفاهی مدرسه را برای مسئولان و مردم محلی توضیح دهد و تعامل اجتماعی مثبت و سازنده‌ای با آنان داشته باشد.

۷. طراحی موقعیت‌های یادگیری: در خلق موقعیت‌های یادگیری، طرح‌ریزی دقیق مؤلفه‌ای کلیدی است. بدون طرح خوب، تضمین کیفیت بالای یادگیری غیرممکن است. فعالیت‌های کلاسی اتفاقی ممکن است لذت‌بخش باشند و به نوع خاصی از یادگیری بینجامند، اما تضمین موفقیت صرفاً با طرح و برنامه امکان‌پذیر است. توجه دادن دانش‌آموز به هدف یادگیری بسیار مهم است، چرا که وقتی او نسبت به هدف یادگیری آگاه نیست، احتمالاً به جنبه‌ای غیر از هدف اصلی فعالیت توجه نشان می‌دهد و در یادگیری ناموفق خواهد بود. معلم باید از طریق طراحی دقیق اما منعطف، برای تمرکز بر شایستگی خاص، دانش‌آموزان را راهنمایی کنند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند اهداف یادگیری مشترکی را دنبال کنند. تعیین اهداف یادگیری صریح موجب می‌شود دانش‌آموزان آنچه را باید انجام دهند، یاد بگیرند و بدین ترتیب خودگردان شوند.

معلمان برای طراحی هر درس باید مخاطبان خود را به خوبی بشناسند و برای واقعی ساختن درس‌ها، به‌منظور شناخت بافت فرهنگی و تجربه‌های فردی گذشته‌ی دانش‌آموزان وقت کافی اختصاص دهند. معلمی که مثال‌های درس را با مواد آموزشی به‌گونه‌ای تلفیق می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم را در بافت به کار ببرند، یادگیرندگان بهتری تربیت خواهد کرد. شاید بتوان این موضوع را با یک مثال روشن‌تر کرد. «معلم پایه‌ی سوم کلاسی، از دانش‌آموزانش خواسته بود تعداد زاویه‌های آشپزخانه‌ی منزل خود را بشمارند. روز بعد دختر کوچکی تعداد زاویه را صفر گزارش کرد. تصور معلم این بود که او تکلیف را نفهمیده یا انجام نداده است. وقتی از والدین دلیل کار را جویا شد، آن‌ها توضیح دادند در خانه‌ای

عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی در کلاس‌های چندپایه

فضای فیزیکی

بیشتر معلمان کلاس‌های چندپایه از راهبرد تقسیم کردن و ایجاد ساختار بندی گروه‌های کوچک‌تر برای بهتر مدیریت کردن کلاس استفاده می‌کنند. این تقسیم‌بندی می‌تواند براساس پایه یا موضوع درسی باشد.



معلم

زمانی که معلمان دانش‌آموزان را از انتظارات خود آگاه می‌کنند، آن‌ها به شکلی مثبت پاسخ می‌دهند و سعی می‌کنند به سطوح مد نظر معلم خود دست پیدا کنند. معلمان کلاس‌های چندپایه باید به خاطر داشته باشند، هرگز سخت‌تر از دانش‌آموزان خود کار نکنند و موقعیت‌های یادگیری طراحی کنند که دانش‌آموزان را درگیر و به سمت خودیادگیری هدایت کنند.



گفت‌وگوی کلاسی

بیشتر معلمان با طرح پرسش‌های خوبی می‌توانند گفت‌وگویی کلاسی را به جریان اندازند، در حالی که آن‌ها باید بدانند چگونه تبادلی نظر درباره‌ی یک موضوع در کلاس را به سطح یک گفت‌وگوی واقعی برسانند.



جامعه‌ی محلی

هر مدیر-آموزگار با تکیه بر تصمیم‌گیری مشارکتی دهیاری، همکاری مردم محلی و والدین داوطلب می‌تواند رویکردی اثربخش برای بهبود پیشرفت تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان در منطقه‌ای خاص ایجاد کند.



طراحی موقعیت یادگیری

معلمان برای طراحی درس باید مخاطبان خود را به خوبی بشناسند و به منظور واقعی ساختن درس‌ها، برای شناخت بافت فرهنگی و تجربه‌های فردی گذشته‌ی دانش‌آموزان وقت کافی اختصاص دهند. معلمی که مثال‌های درس را با مواد آموزشی به گونه‌ای تلفیق می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم را در بافت به کار ببرند، یادگیرندگان بهتری تربیت خواهد کرد.



گروه‌های همیار

فعالیت دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک به معلم امکان می‌دهد موقعیت‌هایی را طراحی کند که مؤثر و قابل فهم باشند. اگر دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های مشارکتی احساس راحتی کنند، کار را با کیفیت بهتری ارائه می‌دهند و به دلیل داشتن اهداف مشترک با گروه خود، فعالیت‌ها به نتایج بهتری منجر خواهند شد.



فضای عاطفی

مراقبت معلم از فضا یا جو کلاس چندپایه به معنی درک و پذیرفتن دانش‌آموزانی با جنسیت، سن و تحصیلات گوناگون در یک کلاس است. او می‌تواند از طریق تماس چشمی و زبان بدن نشان دهد به آن‌ها توجه دارد و در خلال تعاملات، این پیام را که به مراتب مهم‌تر از موضوع درسی است، به دانش‌آموزان انتقال دهد.



راهبردهای یادگیری

راهبردهای یادگیری و استفاده از آن‌ها در کلاس درس، علاوه بر توانمند کردن دانش‌آموزان در خودیادگیری و خودنظم‌دهی، موجب سامان‌دهی برنامه‌ی کلاسی می‌شود تا معلم از زمان کلاس به نفع تدریس و هدایت دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر و موضوعاتی درسی که تدریس معلم در آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد، بهره‌بردار شود.

